

Creative and Effective Teaching Method in Humanities and Social Sciences in the Digital Era

Elham Shirdel^{1✉}

1. Assistant Professor of Social Sciences, University of of Sistan and Baluchestan, Zaheda, Iran.
(Corresponding Author). Email: eshirdel@lihu.usb.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 26 April 2025

Received in revised form:
17 May 2025

Accepted: 11 June 2025

Published online:
21 June 2025

Keywords:

Education, Creativity, Social Sciences, Teaching, Students

ABSTRACT

Given the electronic nature of society and rapid changes across scientific, social, and economic fields, it is essential to employ dynamic, active, and creative teaching methods to meet the needs of society and learners. Accordingly, this study investigates a creative and useful teaching method, with particular emphasis on the social sciences and humanities, considering the characteristics of the new generation of learners and the skills required in the 21st century, to provide a suitable context for effective education and high-quality learning. To achieve this goal, in addition to reviewing the existing resources in this field, a case-study approach was employed using diverse information sources, such as interviews with students, records of personal experiences, and evaluation documents from the teaching program of a sociology professor as the study sample. The study triangulates findings from multiple data sources. The results indicate that in this teaching method, the instructor uses a variety of methods, technologies, teaching techniques, and both theoretical and experiential activities to develop learners' diverse skills and talents. The teacher creates an active and dynamic learning environment by presenting new and diverse materials and ideas, along with individual and group exercises, intellectual games, creative works, and field projects. These elements foster interest, creative thinking, and engagement in study and research among students. Additionally, evaluations from teachers and analyses of student interviews indicate that students are satisfied with the creative teaching method.

Cite this article: Shirdel, Elham. (2025). Creative and effective teaching method in humanities and social sciences in the digital Era. *Journal of Creative and Effective Education*, 1 (1), 101-116.

DOI: 10.22111/cee.2025.53997.1008

© The Author(s). Shirdel, Elham

Publisher: University of Sistan and Baluchestan.



روش تدریس خلاقانه و مؤثر در علوم انسانی و اجتماعی در عصر دیجیتال

الهام شیردل^۱ ✉

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: eshirdel@lihu.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	با توجه به الکترونیکی شدن جامعه و تغییرات سریع در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی و اقتصادی، بهره‌گیری از روش تدریس پویا، فعال و خلاقانه برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و فراگیران ضروری است. براین اساس، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی روش تدریس خلاقانه و مفید به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی و انسانی با توجه به ویژگی‌های نسل جدید فراگیران و مهارت‌های مورد نیاز در قرن بیست و یکم است تا بتواند زمینه مناسبی برای آموزش اثربخش و یادگیری باکیفیت فراهم سازد. به منظور دستیابی به این هدف، علاوه بر مرور منابع موجود در این حیطه، از روش مطالعه موردی با استفاده از مآخذ اطلاعاتی مختلف، نظیر مصاحبه با دانشجویان، ثبت تجربیات شخصی و اسناد ارزشیابی ثبت شده از برنامه تدریس یک استاد جامعه شناسی به عنوان نمونه مورد مطالعه استفاده شده است. نتایج حاصل از مطالعه نشان داد در این شیوه تدریس، معلم از انواع روش‌ها، فناوری‌ها، فنون تدریس و فعالیت‌های مختلف نظری و تجربی در جهت پرورش مهارت‌ها و استعدادها گوناگون فراگیران استفاده می‌کند. معلم فضای یادگیری فعال و پویا را با ارائه مطالب و ایده‌های جدید و متنوع، تمرین فردی و گروهی، بازی‌های فکری، آثار خلاقانه، پروژه‌های میدانی به وجود می‌آورد که می‌تواند منجر به علاقه، تفکر خلاقانه، مطالعه و تحقیق در دانشجویان شود. همچنین نتایج حاصل از گزارش‌های ارزشیابی استاد و تحلیل مصاحبه با دانشجویان حاکی از رضایت دانشجویان از شیوه تدریس خلاقانه است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۶	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۲/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۳۱	
واژه‌های کلیدی: آموزش، خلاقیت، علوم اجتماعی، تدریس، دانشجویان	

استناد: شیردل، الهام. (۱۴۰۴). روش تدریس خلاقانه و مؤثر در علوم انسانی و اجتماعی در عصر دیجیتال. آموزش خلاق و اثربخش،

۱(۱)، ۱۱۶-۱۰۱.

DOI: 10.22111/cee.2025.53997.1008



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

© نویسندگان. شیردل، الهام.

۱- مقدمه

با گسترش دسترسی به آموزش عالی، دانشجویان از شهرها و مناطق دوردست به مراکز دانشگاهی بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر مهاجرت می‌کنند. این روند موجب شکل‌گیری کلاس‌هایی با ترکیب متنوعی از دانشجویان با تفاوت‌های سنی، جنسیتی، زبانی و فرهنگی شده است. در چنین بستری، وظیفه‌ی اصلی استادان آن است که برنامه‌های درسی را به گونه‌ای طراحی و اجرا کنند که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای فردی دانشجویان، نوآوری‌های آموزشی نیز در روش‌های تدریس آنان تجلی یابد (شارما، ۲۰۲۰). بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی هر معلم، جلب توجه دانشجویان و انتقال مؤثر مفاهیم به گونه‌ای است که یادگیری پایدار و اثرگذار شکل گیرد. برای مواجهه با این چالش، بهره‌گیری از رویکردهای نوآورانه در تدریس ضرورتی انکارناپذیر است.

یکی از رویکردهای کلیدی در این زمینه، یادگیری مبتنی بر خلاقیت است که با سازماندهی فعالیت‌های آموزشی، دانشجویان را در فرآیند یادگیری فعال و پژوهش‌محور درگیر می‌سازد. این رویکرد نه تنها به توسعه‌ی مهارت‌های تفکر انتقادی، ارتباطی، دانشجویی و خلاقیت کمک می‌کند، بلکه نقش استاد را از انتقال‌دهنده‌ی صرف دانش به تسهیل‌گر یادگیری ارتقا می‌دهد. در این چارچوب، فعالیت‌هایی همچون بازی‌های آموزشی برای تحریک کنجکاوی، مشاوره‌ی فردی، تمرین‌های گروهی و حل مسئله، جایگاه ویژه‌ای می‌یابند (فانگفای، ۲۰۱۷).

افزون بر این، مدیریت یادگیری در مطالعات اجتماعی در جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر است، نیازمند توجه جدی به مهارت‌های قرن بیست‌ویکم است (پلیز، ۲۰۲۱). مهارت‌هایی چون نوشتن و تحلیل، تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت و نوآوری، درک بین‌فرهنگی، سواد اطلاعاتی و محاسباتی، و بهره‌گیری از ابزارها و پلتفرم‌های دیجیتال برای غنی‌سازی یادگیری در علوم انسانی، از جمله ضرورت‌های این حوزه به شمار می‌روند (جئوگپولو^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). در این راستا، استادان مطالعات اجتماعی باید فعالیت‌های آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که یادگیری فعال در موضوعات متنوعی چون دین، وظایف مدنی، اقتصاد، تاریخ و جغرافیا تحقق یابد. یادگیری مبتنی بر خلاقیت در این بستر، دانشجویان را از الگوی سنتی دریافت منفعل دانش دور کرده و آنان را در فرآیند تحقیق و یادگیری فعال نگره می‌دارد. چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز پرورش مهارت‌های تحلیلی، انتقادی، حل مسئله، خودآموزی و تعامل مؤثر با دیگران باشد (فانگفای، ۲۰۱۷).

در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی، ضرورت اساسی آن است که دانشجویان تجربه‌های اولیه و بنیادینی را برای زندگی در جامعه کسب کنند. این ضرورت در جهان امروز که به سرعت در حال تحول است و دانش، اطلاعات و اکتشافات جدید به‌طور مداوم ظهور می‌یابند، بیش از پیش اهمیت دارد. آنچه دیروز آموخته‌ایم، ممکن است امروز کارآمدی خود را از دست داده باشد؛ بنابراین، جامعه‌ای پیچیده و دائماً در حال تغییر شکل می‌گیرد که چالش‌های متعددی را به همراه دارد. در چنین شرایطی، تنها افرادی قادر خواهند بود زندگی رضایت‌بخش داشته باشند و در ساختن جامعه‌ای مطلوب نقش ایفا کنند که توانایی مدیریت یادگیری و سازگاری با تغییرات را دارا باشند. از این رو، مطالعات اجتماعی و فرهنگ‌آموزی بر همزیستی انسان و محیط در جهانی متحول تمرکز دارند و در پی آن‌اند که مهارت‌های اجتماعی،

¹ Sharma

² Phuangphac

³ Plaza

⁴ Georgopoulou

دانش، اخلاق و ارزش‌های مطلوب را در دانشجویان پرورش دهند تا آنان بتوانند در ابعاد مختلف زندگی پیشرفت کنند. این رشته‌ها با تأکید بر تبدیل دانشجویان به شهروندان مسئول و آگاه، آنان را به بهره‌گیری از دانش در زندگی روزمره و درک عمیق‌تر از همزیستی صلح‌آمیز تشویق می‌کنند.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی اهمیت نوآوری در تدریس علوم انسانی و اجتماعی را برجسته ساخته‌اند. مطالعات شارما (۲۰۲۰) و پلیزا (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که روش‌های خلاقانه‌ای همچون یادگیری مبتنی بر پروژه و یادگیری مشارکتی، انگیزش و کیفیت یادگیری دانشجویان را ارتقا داده‌اند. همچنین، پژوهش‌های بین‌المللی نظیر فانگفای (۲۰۱۷) بر نقش یادگیری مبتنی بر خلاقیت در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در علوم اجتماعی تأکید کرده‌اند. در عصر دیجیتال، تغییرات فناورانه به‌عنوان محرک اصلی نوآوری آموزشی شناخته می‌شوند؛ به‌ویژه آنکه نسل جدید دانشجویان نسل (Z) پیوندی عمیق با فناوری‌های دیجیتال دارند، موضوعی که ضرورت بازاندیشی در شیوه‌های تدریس را بیش از پیش آشکار می‌سازد (کوزینسکی، ۲۰۱۷؛ دانویل، ۲۰۱۶).

با وجود اهمیت بنیادین مطالعات اجتماعی، این حوزه در بسیاری از نظام‌های آموزشی مورد غفلت قرار گرفته است؛ زیرا اغلب به‌عنوان رشته‌ای که مستقیماً به رشد اقتصادی یا تولید ناخالص داخلی کمک نمی‌کند، نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه، تدریس در این حوزه بیشتر بر رویکردهای غیرفعال و انتقال اطلاعات متمرکز بوده تا بر حل مسئله و یادگیری فعال. این وضعیت ضرورت بازنگری جدی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که لید و آدلان (۲۰۲۵) تأکید کرده‌اند، آموزش مطالعات اجتماعی باید به نسل‌های جدید کمک کند تا تغییرات اجتماعی را درک کنند و مهارت‌هایی چون تفکر انتقادی، حل مسئله و خلاقیت را پرورش دهند. بنابراین، مدیریت یادگیری و تدریس مؤثر باید بر فعالیت‌هایی تمرکز کند که فرصت‌های یادگیری معنادار را برای دانشجویان فراهم آورده و آنان را به توسعه‌ی کامل پتانسیل‌های فردی‌شان ترغیب نماید. این امر مستلزم آن است که معلمان روش‌های تدریس خود را به‌طور مستمر بازنگری کنند، آموزش حرفه‌ای را دنبال نمایند و به‌کارگیری تکنیک‌های نوین آموزشی را در اولویت قرار دهند؛ به‌ویژه در زمینه‌ی آموزش مهارت‌های تفکر که برای فرآیند یادگیری در تمامی سطوح ضروری است. این پژوهش می‌کوشد به این پرسش‌های بنیادین پاسخ دهد که چگونه می‌توان روش‌های تدریس خلاقانه را در علوم انسانی و اجتماعی با نیازهای یادگیری در عصر دیجیتال بکار گرفت؟ و چه راهبردهایی در تدریس نوآورانه می‌توانند بیشترین تأثیر را بر ارتقای مهارت‌های قرن بیست‌ویکم و رضایت دانشجویان داشته باشند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در مطالعه کوزینسکی (۲۰۱۷)، دانشجویان از بحث‌های گروهی و محیط یادگیری بسیار تعاملی لذت می‌برند. برای آن‌ها یادگیری بدون مرز است، آن‌ها می‌توانند در هر مکان و هر زمان یاد بگیرند و دسترسی نامحدودی به اطلاعات جدید داشته باشند؛ علاوه بر این، استفاده از ابزارهای دیجیتال و انجمن‌های آنلاین توصیه می‌شود، زیرا آن‌ها ترجیح

⁵ Kozinski

⁶ Dunwill

⁷ Laid & Adlaan

می‌دهند در فرایند یادگیری خود ادغام شوند. پیشرفت فناوری و اطلاعات باعث ایجاد تغییرات و دگرگونی سریع در روش تدریس و تنظیم فرایندهای یادگیری می‌شود (دانویل، ۲۰۱۶). در مطالعه مادومیتا^۸ (۲۰۱۶)، از طریق علوم اجتماعی، دانش‌آموزان درک خود را از جهان توسعه می‌دهند. معلمان علوم اجتماعی به‌منظور توسعه دیدگاه خود نسبت به محیط و روند پیشرفت مستمر آن، باید از مرز تدریس متعارف عبور کنند و نوآوری را در تدریس خود بگنجانند تا دانش‌آموز در موقعیت یادگیری خود احساس ارتباط کند. کار گروهی با استفاده از پروژه، تمرین در ارائه خلاقانه و ایجاد بحث با استفاده از برگزاری مسابقات مختلف و ارزیابی پیشرفت در یادگیری باکیفیت و خلاق مؤثر است. یکی از عناصر کلیدی کار تیمی است که مهارت‌های اجتماعی شامل رهبری و پیروی در کار تیمی، توانایی ایجاد کار و انجام وظایف به شیوه‌ای مسئولانه را فراهم می‌سازد (دوانگکامول^۹؛ ۲۰۱۰). یافته‌های مطالعه پلیزا^{۱۰} (۲۰۲۱) نشان داد که استادان و مدرسان در دوره‌های علوم اجتماعی با استفاده از منابع بومی و محلی مقرون‌به‌صرفه و در دسترس در جامعه، به یادگیری پرداختند. فراگیران آن‌ها همچنین مجاز به استفاده از ابزارهایی مانند تلفن‌های هوشمند، تبلت و رسانه‌های اجتماعی هستند. آن‌ها همچنین از ماژول‌ها و سایر مواد خلاقانه به‌عنوان بسته‌های منابع یادگیری خود استفاده می‌کنند. دانشجویان از طریق دوره‌های کارآموزی یا در پروژه‌های غوطه‌وری در جامعه و صنعت مشغول یادگیری هستند؛ بنابراین این تحقیق تلاش دارد اطلاعات کاربردی و تجربی‌ای درباره روش تدریس خلاق محور در حوزه علوم اجتماعی ارائه دهد. سه رویکرد اصلی "یادگیری تجربی، ادغام فناوری، و رویکردهای دانشجوی-محور" می‌توانند مبنای طراحی آموزشی خلاقانه در علوم انسانی و اجتماعی باشند. در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، این سه رویکرد می‌توانند به‌عنوان چارچوبی برای ارتقای کیفیت یادگیری، افزایش مشارکت، و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت مورد استفاده قرار گیرند. یادگیری تجربی با پروژه‌های واقعی و فعالیت‌های میدانی، امکان درک عمیق‌تر مفاهیم اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند و به تقویت مهارت‌های حل مسئله و همکاری منجر می‌شود (احمد^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۴؛ گالاردو-گوریرو^{۱۲}، ۲۰۲۲). رویکرد ادغام فناوری از طریق ابزارهایی مانند شبیه‌سازی دیجیتال، پلتفرم‌های تعاملی و کلاس‌های مجازی، فرصت‌های جدیدی برای بازنمایی چندرسانه‌ای و دسترسی برابر ایجاد می‌کند؛ هرچند چالش‌هایی مانند شکاف دیجیتال و نیاز به آموزش معلمان همچنان مطرح است (کایودی^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۰). رویکردهای دانشجوی-محور با تأکید بر یادگیری مبتنی بر پرسشگری، همکاری و بازی‌سازی، مالکیت یادگیری را به دانشجویان منتقل کرده و آنان را برای مشارکت فعال در تولید دانش آماده می‌سازد (راهه^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۳).

⁸ Madhumita

⁹ Duangkamol

¹ Plaza 0

¹ Ahmed 1

¹ Gallardo-Guerrero 2

¹ Kayode 3

¹ Rahe 4

بر اساس نظریه‌های یادگیری برساخت‌گرایی و رویکردهای جامعه‌محور، یادگیری زمانی پایدار و معنا دار است که دانشجو در فرایند تولید دانش مشارکت فعال داشته باشد. دیدگاه ویگوتسکی^۵ درباره نقش تعامل اجتماعی در یادگیری می‌پردازد (کورت، ۲۰۲۰^{۱۶}) و مفهوم منطقه‌ی رشد قریب‌الوقوع (ZPD) بیان می‌کند بدین صورت که دانشجو با حمایت استاد و هم‌کلاسی‌ها می‌توانند از سطح توانایی فعلی فراتر روند. در تدریس خلاقانه، فعالیت‌های گروهی، بازی‌های فکری و پروژه‌های میدانی دقیقاً همان نقش اسکفلدینگ (کاهش حمایت تدریجی استاد و افزایش استقلال دانشجو) را ایفا می‌کنند و دانشجو را به یادگیری عمیق‌تر هدایت می‌نمایند. همچنین هابرماس معتقد است کنش ارتباطی در کلاس درس به فضایی برای گفت‌وگو، مشارکت و تولید مشترک معنا تبدیل می‌شود. یادگیری به مثابه کنش ارتباطی است؛ یعنی دانشجو با از طریق گفت‌وگو، استدلال و نقد متقابل به تفاهم بین‌ذهنی می‌رسند. کلاس خلاقانه با تأکید بر مشارکت، احترام متقابل و ارائه‌های جمعی، مصداقی از حوزه عمومی کوچک است که در آن عقلانیت گفت‌وگویی و اخلاق گفت‌مان تمرین می‌شود (هابرماس، ۱۹۸۴^{۱۷}). بنابراین، تدریس در عصر دیجیتال باید نه تنها بر انتقال دانش، بلکه بر ایجاد تجربه‌های یادگیری معنا دار، عدالت آموزشی و توسعه پایدار تمرکز کند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد ترکیبی و روش مطالعه‌ی موردی انجام شده است و هدف آن توصیف و تحلیل برنامه تدریس مبتنی بر خلاقیت در رشته‌ی علوم اجتماعی و به‌طور کلی در حوزه‌ی علوم انسانی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، داده‌ها از منابع و دیدگاه‌های متنوع و مکمل گردآوری شدند تا تصویری جامع و چندبعدی از فرایند آموزشی و نتایج آن فراهم گردد. در بخش روش تحقیق کیفی، یک دانشجو و یک استاد در حوزه علوم اجتماعی به‌صورت هدفمند انتخاب شد؛ معیار انتخاب، توانایی ارائه اطلاعات دقیق و مرتبط با موضوع پژوهش بود. دانشجو و استاد مورد مطالعه، مشاهدات، دیدگاه‌ها و تجربیات شخصی خود را بدون پیش‌داوری و نگاه ارزشی ثبت و توصیف کردند. در این بخش، جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه ساختارنیافته و روش تحلیل مضمون استفاده گردید. علاوه بر مصاحبه‌ها، در بخش روش تحقیق کمی، مجموعه‌ای از اسناد و گزارش‌های ارزشیابی آموزشی ثبت شده در آرشو دانشگاه گردآوری و تحلیل شد. این اسناد مربوط به دو ترم تحصیلی استاد بودند که به‌عنوان دوره‌های شاخص و سرآمد تعیین شده بودند. داده‌های کمی حاصل از این گزارش‌ها با روش‌های تحلیل آماری توصیفی بررسی شدند تا تصویری روشن از پیامدهای برنامه‌ی آموزشی ارائه شود. این داده‌ها به‌عنوان مکملی برای سایر منابع، در جهت تدقیق یافته‌ها و افزایش اعتبار نتایج پژوهش به کار گرفته شدند. برای افزایش دقت و اعتبار نتایج، داده‌های کیفی و کمی در قالب رویکرد مثلث‌سازی داده‌ها تلفیق شدند. این تلفیق امکان مقایسه و هم‌سنجی یافته‌ها را فراهم ساخت و موجب شد تصویری جامع‌تر از فرایند تدریس مبتنی بر خلاقیت در علوم اجتماعی به دست آید.

^۱ Vygotsky 5
^۱ Kurt 6
^۱ Habermas 7

۴- یافته‌های پژوهش

مدل مفهومی آموزش خلاق و مؤثر در رویکرد کیفی

معیارهای تدریس خلاقانه

- ۱- مجموعه‌ای از فعالیت‌های گوناگون و مرتبط به صورت زنجیره‌ای ارائه می‌شود که به صورت فردی و درعین حال به صورت گروهی سازماندهی شده‌اند.
- ۲- فعالیت‌ها و تمرین به گونه‌ای طراحی می‌شود که زمینه‌ای برای بیان خلاقانه دانشجویان فراهم کند؛ به طوری که در ذهن دانشجویان علاقه زیادی ایجاد کند.
- ۳- ذهنیت فراگیران نسبت به درس را می‌توان از طریق موضوعات هدفمند، ملموس و واقع‌بینانه تغییر داد.
- ۴- دانشجویان را با تکنیک‌های خودآموزی و در نتیجه راه‌های به دست آوردن اطلاعات شاهرکار از طریق تلاش شخصی یا شهود آموزش دهد.
- ۵- با طرح سؤالات و مطالب جدید، اراده و علاقه برای مطالعه و کاوش بیشتر تحریک می‌شود.
- ۶- در انتخاب فعالیت‌های تدریس، عواملی نظیر ماهیت درس، محیط کلاس، تخصص استاد، اهداف درس، میزان علاقه، توانایی و ویژگی‌های دانشجویان را باید مدنظر قرار داد.

روش تدریس خلاقانه و مؤثر

اسلوب غالب در تدریس شخصی نمونه مورد مطالعه به این صورت است که ابتدای ترم، همه جزئیات برنامه و فرایند آموزشی (شامل فعالیت‌های درسی، طرح درس، منابع درسی، روش ارزشیابی و...) به طور کامل برای دانشجویان تشریح می‌شود. در طول ترم نیز پیگیری لازم در جهت رفع ابهامات دانشجویان و بررسی و هدایت آن‌ها در مسیر مطابق با برنامه آموزشی صورت می‌گیرد. نکته مهم این است که استاد فرصت آن را داشته باشد هر جلسه بازنمایشی درباره روند آموزشی کلاس داشته باشد که اصول و اهداف یادگیری خلاق و باکیفیت با این شیوه تدریس محقق می‌شود؛ برای مثال شخصاً زمانی احساس رضایت از تدریس داشتیم که با مشارکت بالا و کامل همه دانشجویان کلاس به طور داوطلبانه و خودجوش در مباحث کلاسی مواجه می‌شدم؛ در غیر این صورت سعی می‌کردم از تکنیک‌های مطلوب و خلاقانه دیگری بهره ببرم. در واقع روش تدریس خلاقانه هیچوقت محدودیت ندارد و می‌توان برحسب شرایط از روش‌ها و ایده‌های متنوع و جدید استفاده کرد.

نکته مهم دیگر در شیوه آموزشی استاد مورد مطالعه، توجه یکسان به مهارت‌های حل مسئله فردی و گروهی، یادگیری نظری و عملی، ایده‌پردازی و عملیاتی کردن، تفکر خلاقانه و انتقادی، مباحثه و اخلاق علمی، طرح مطالب مطابق با نیاز جامعه و استفاده از روش‌های خلاقانه برای ارائه آثار دانشجویان از طریق نمایش‌های تصویری، گروهی، داستان، بازی‌های گروهی و... است. در ادامه به طور کلی مراحل نمونه‌ای از شیوه آموزش خلاق توضیح داده می‌شود که با یافته‌های حاصل از تجارب شخصی دانشجویان و تجربه استاد مورد مطالعه از شیوه تدریس خود نیز تطابق دارد.

۱- **الهام:** برانگیختن دانشجویان برای کنجکاوی و علاقه به آنچه می‌آموزند. دانشجویی در این زمینه اظهار کرد: «از شما سپاسگزارم که اندیشیدن را به من آموختید، نه اندیشه‌ها را».

۲- **خودآموزی:** فراهم آوردن فرصتی برای جست‌وجو، جمع‌آوری، شناسایی و استفاده از داده‌ها برای کسب دانش.

«شما نمونه‌ای از استاد‌های خوب هستید که به ما یاد می‌دهید با مشارکت در کلاس، مطالب را بهتر درک کنیم و فن بیان خوب داشته باشیم».

۳- تمرین و طرح سؤال در فعالیتهای فردی و گروهی و یادگیری مبتنی بر بازی: یکی از دانشجویان در این

مورد بیان می‌دارد: «این بخش از کلاس شما را بسیار دوست دارم، چون در هیچ کلاسی ندیدم که برای بحث و گفت‌وگو برای فهم بهتر مطالب، گروه‌هایی تشکیل شود و در آن گروه‌ها ما به بحث بپردازیم و بهتر بتوانیم مطالب را درک کنیم. من عاشق این قسمت از کلاس شما هستم، زیرا با این روش می‌توانم مطالب را به خوبی درک کنم.»

۴- ارائه آثار به روش‌های خلاقانه (ارائه خلاقانه): نظر استاد مورد مطالعه بر این است که در علوم اجتماعی

مباحثی که مطرح می‌شود، برای اینکه از جنبه انتزاعی به جهان واقعی نزدیک شود و دانشجویان بتوانند ارتباط بیشتری با جامعه خود پیدا کنند، تمرین‌های کلاسی خلاقانه، ایده‌پردازانه، مهارت‌آموزانه و استعدادپرور ارائه شود تا هم تعامل بیشتری بین دانشجویان با یکدیگر و استاد باشد و بارش مغزی و روحیه مشارکت جمعی در کلاس تقویت شود، و هم یادگیری مطالب به‌طور تجربی، ماندگارتر و پویاتر صورت گیرد. در جهت پرورش خلاقیت و مهارت‌های مختلف فکری و عملی در دانشجویان، از قالب‌های جدید برای آموزش، نظیر ویدئو، داستان، نمایش و تمرین و بازی‌های خلاقانه استفاده می‌شود که لازمه آن، تلاش و وقت برای طراحی و جست‌وجوی محتوای جالب و مفید است.

۵- اندازه‌گیری و ارزشیابی: اندازه‌گیری و ارزشیابی توسط معلمان و دانشجویان با استفاده از معیارهای مختلف با

توجه به اهداف انجام می‌شود، برای مثال نمرات هر بخش نظری و عملی و فعالیت‌های مرتبط با آن‌ها مشخص و در ابتدای ترم برای دانشجویان کاملاً توضیح داده می‌شود. چنانچه دانشجویی بیان داشته است: «به ما یاد می‌دهید نمره‌ای که به دست می‌آوریم، همه‌جوره برایش تلاش کنیم و نمره‌ای که حقمان است را به دست آوریم.»

بستر آموزش خلاق

۱- معلمان باید به دانشجویان وقت بیشتری برای تحقیق و ارائه بدهند، زمان کمتری را صرف تدریس کنند و به جای کل کلاس، در گروه تدریس کنند؛

۲- از توضیح مفصل پرهیز شود، اما سعی شود دانشجویان پاسخ‌ها را خودشان پیدا کنند. معلمان اغلب از سؤالات برای سازماندهی فعالیت‌ها استفاده می‌کنند تا توجه دانشجویان را جلب کنند؛

۳- در یادگیری مبتنی بر خلاقیت، معلمان از تعیین قطعی، مانند درست و نادرست اجتناب می‌کنند، اما از سؤالاتی مانند «آیا مطمئن هستید؟»، «چرا این‌طور فکر می‌کنید؟» یا «نظرتان در این باره چیست؟» استفاده شود؛

۴- مهم‌ترین فضای یادگیری مبتنی بر خلاقیت، تشویق دانشجویان به تمرین مهارت‌های تفکر است؛

۵- از موضوع مورد علاقه دانشجویان به‌عنوان مقدمه و سپس تحقیق، محتوا و دانش در کتاب‌های درسی استفاده شود؛

۶- یادگیری باید بیش از ۹۰ دقیقه طول بکشد و معلمان باید چندین موضوع را در یک کلاس درس ادغام کنند؛

۷- یادگیری مبتنی بر خلاقیت، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا به رشد خود در جنبه‌های مختلف توجه کنند که باید اندازه‌گیری شود و نتایج در هر جنبه به دانش‌آموزان گزارش شود؛

- ۸- یادگیری مبتنی بر خلاقیت، با داوطلبانه بودن، همکاری و توجه دانشجویان بهتر عمل می‌کند؛ بنابراین باید از کسر نمره و تنبیه خودداری شود.
- ۹- معلمان به آنچه دانشجویان فکر می‌کنند و ارائه می‌دهند، گوش می‌دهند و همراه با دانشجویان یاد می‌گیرند. ارائه نظر و تشویق دانشجویان در کلاس مورد نیاز است.

روند یادگیری مبتنی بر خلاقیت

- فرایند طراحی آموزش مطالعات اجتماعی در یادگیری مبتنی بر خلاقیت، شامل ۵ مرحله است (شارما، ۲۰۲۰):
- ۱- جلب توجه، مقدمه‌ای برای موضوع درسی است که معلمان باید توجه دانشجویان را برانگیزند. مشتاق کردن دانشجویان به یادگیری، دانستن و یافتن پاسخ، عامل مهمی برای موفقیت در یادگیری مبتنی بر خلاقیت است. راه‌های برانگیختن علاقه دانشجویان به شرح زیر است: الف- استفاده از موقعیت‌های مختلف زندگی واقعی مرتبط با دانشجویان یا علایق آن‌ها به عنوان محرک؛ ب- استفاده از امکانات چندرسانه‌ای؛ معلمان باید رسانه‌های مرتبط با محتوا مانند تصاویر، صداها و پیام‌ها را برای برانگیختن علاقه یا انگیزش دانشجویان در درس انتخاب کنند. استفاده از بازی‌ها یا فعالیت‌ها، راهی عالی برای برانگیختن علاقه دانشجویان است. بازی‌ها یا فعالیت‌های انتخابی باید مرتبط با محتوایی باشد که باید آموزش داده شود و معلمان می‌توانند با توجه به نیاز دانش‌آموز بازی‌ها یا فعالیت‌های متنوعی را انتخاب کنند. معلم باید از انواع روش‌ها، وسایل و فنون تدریس استفاده کند. معلم باید از روش مناسبی استفاده کند تا تدریس خود را معنادار، هدفمند، جالب و مؤثر کند. یک روش خوب تدریس می‌تواند نتایج خوبی را حتی از یک برنامه درسی ضعیف به ارمغان بیاورد. از طرف دیگر یک روش بد تدریس می‌تواند یک برنامه درسی خوب را به هم بزند؛ بنابراین به درستی می‌توان گفت که موفقیت یا عدم موفقیت تدریس به روش‌های آن بستگی دارد.
 - ۲- شناسایی مشکلات و گروه‌بندی براساس علایق دانشجویان: این مرحله برای شناسایی مشکلات و گروه‌بندی براساس علایق دانشجویان است. معلم به دانشجویان اجازه می‌دهد تا مشکلات مورد علاقه خود را پیدا کنند، سپس دانشجویان را براساس علایقشان به گروه‌ها تقسیم کند.
 - ۳- تحقیق و تفکر: مرحله سوم برترین مرحله در یادگیری مبتنی بر خلاقیت است. معلمان به دانشجویان اجازه می‌دهند وقت خود را صرف کنند. معلمان در کلاس قدم می‌زنند و مسئولیت مشاوره گروهی را برعهده دارند. در مواقعی که دانشجویان با مشکل مواجه می‌شوند، توصیه‌هایی ارائه می‌دهند، به عنوان مربی عمل می‌کنند، منابع دانش مناسب را به دانشجویان معرفی می‌کنند، دانشجویان را برای انتخاب صحیح اطلاعات راهنمایی می‌کنند و اجازه می‌دهند دانشجویان از یادگیری و کشف چنین دانشی لذت ببرند. این به این منظور است که به دانشجویان اجازه می‌دهیم فکر کنند، پاسخ‌ها را بیابند، اطلاعات به دست آمده را انتخاب کنند و درباره آن تصمیم بگیرند و به دانشجویان اجازه داده شود از وقت خود با مطالب مورد علاقه‌اش استفاده کند.
 - ۴- ارائه در مرحله چهارم: دانشجویان آثاری را که درباره آن‌ها تحقیق کرده و مهارت‌های تفکر را تمرین کرده‌اند، ارائه می‌دهند. معلمان باید به دانشجویان اجازه دهند تا ارائه خود را به پایان برسانند، سپس معلمان به همکلاسی‌ها اجازه خواهند داد درباره چنین موضوعاتی سؤال بپرسند. این فرایندی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد صحت داده‌هایی را که به دست آورده‌اند تأیید کنند و همکلاسی‌ها نظر دهندگان هستند. سپس معلمان کنترل را در دست می‌گیرند و سؤالات و نظرات خود را درباره موضوعات حفظ می‌کنند. اگر همکلاسی‌ها سؤال یا تردیدی نداشته باشند،

معلمان ممکن است خودشان شروع به پرسیدن سؤال کنند تا فضای پرسشگری در کلاس ایجاد شود که ممکن است به دانش جدیدی نیز منجر شود.

۵- ارزشیابی: مرحله پنجم ارزیابی، همه فعالیت‌هایی است که دانشجویان در طول یادگیری مبتنی بر خلاقیت انجام داده‌اند. در این مرحله هر سه جنبه رشد یادگیرنده، شامل دانش، مهارت و ویژگی‌های مطلوب دانشجویان در ارزشیابی پس از یادگیری مبتنی بر خلاقیت باید تشخیص داده شود. دانش را می‌توان با آزمون یا تمرین ارزیابی کرد و سپس از نمرات برای ارزیابی محتوای دانش در مطالعات اجتماعی استفاده کرد. ارزشیابی مهارت، ارزیابی توانایی‌های دانشجویان است؛ برای مثال، وقتی می‌خواهیم در موضوع مهارت‌های ارائه ارزیابی کنیم، جزئیات لازم عبارتند از: محتوا، ارتباط و همکاری، خلاقیت کار با دیگران و تکنیک‌های ارائه و... .

نمونه مدیریت یادگیری

یادگیری مبتنی بر خلاقیت مشابه با یادگیری مبتنی بر مشکل است. معلم باید فضایی ایجاد کند که دانشجویان را تشویق به تمرین مهارت‌های تفکر خلاق تا حد امکان کند؛ برای مثال، در مدیریت یادگیری مبتنی بر خلاقیت، برای حفظ منابع آب شیرین، فعالیت‌ها باید به شرح زیر انجام شود: ۱- برانگیختن علاقه یادگیرندگان به منابع آب شیرین و مشکلات آلودگی آب از روزنامه‌ها، اخبار تلویزیون، تحقیقات یا مشکلات مربوط؛ ۲- به دانشجویان اجازه دهید درباره سؤالات یا موضوعاتی برای انجام تحقیق و مسائل فکر کنند؛ ۳- دانشجویان را به گروه‌ها تقسیم کنید و با استفاده از فناوری‌ها و منابع مختلف، آن‌ها را به انجام تحقیقات اختصاص دهید؛ ۴- در طول تحقیق، معلم ممکن است در کلاس قدم بزند و با دانشجویان صحبت کند تا علاقه دانشجویان را برانگیزد یا چیزی را که دانشجویان نیاز دارند، توضیح دهد؛ ۵- تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها برای حل خلاقانه مسائل براساس واقعیت؛ ۶- ارائه کار خلاقانه هر گروه و ارزیابی مشترک همه فعالیت‌ها.

مزایای یادگیری مبتنی بر خلاقیت

یادگیری مبتنی بر خلاقیت می‌تواند منجر به رویکرد جدید زندگی و حل مسائل در زندگی روزمره، ایجاد اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس در دانشجویان، ایجاد توانایی دانشجویان برای رسیدگی و حل راحت مشکلات و یادگیری اثربخش شود. همچنین به دانشجویان اجازه می‌دهد تا به چیزهای جدید مرتبط با یادگیری فکر کنند و در کلاس احساس کسالت نکنند.

منابع لازم برای آموزش خلاق

- بستر انتقادپذیری در جامعه و تفکر آزادانه؛
- پروژکتور و رایانه در کلاس برای استفاده از امکانات چندرسانه‌ای؛
- امکان استفاده از رایانه شخصی برای دانشجویان در کلاس؛
- صندلی‌های چرخشی برای بحث گروهی؛
- امکان بازدیدهای علمی در سطح جامعه و با گروه‌های فرهنگی مختلف؛
- استادان بانگیزه، صبور، خلاق و آگاه از روش آموزش؛

- تأمین امنیت روانی برای استادان و دانشجویان (آرامش، برنامه مشخص درسی، نظم)؛
- تعبیه امکانات (زمان کافی برای مطالعه، جست‌وجو، تجهیزات و...)
- تعادل میزان واحد درسی و وظایف مختلف و اولویت بر آموزش؛
- شرایط زمانی، مکانی و جمعیتی کلاس؛
- نداشتن دید کمی‌گرا و آماری.

به‌طور کلی باید به این نکته توجه کرد که پارادایم فکری آموزش خلاق، الزامات هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه و ارزش‌شناسانه خاص خود را دارد که برای اجرای آموزش خلاق، به معنای واقعی در علوم اجتماعی و سایر رشته‌ها باید به عناصر جهان‌بینی آن نیز توجه کرد. در این پارادایم که مبتنی بر پارادایم تفسیری است، انسان به‌عنوان موجودی خلاق، دارای اراده آزاد و سازنده جامعه شناخته می‌شود و در جریان تعاملات در فرایند یادگیری تفسیر و معنای خود را از جهان پیرامون و همچنین محتوای علمی می‌سازد. پس براساس این پارادایم نمی‌توان یک روش مشخص و ثابت برای آموزش خلاق ارائه داد، بلکه در شرایط و زمینه‌های مختلف شکل‌های متنوعی متناسب با درس و ویژگی‌های افراد می‌تواند داشته باشد. در این پارادایم، آموزش نیز مانند واقعیت، متنوع و چندگانه است و همزمان می‌تواند از روش‌های مختلف استفاده کرد. این آموزش قدرت آن را دارد تا به جهان پیرامون انتقال پیدا کند و موجب تغییر در آن شود؛ برهمن اساس، فهم و درک افراد در این سبک آموزشی، مهم‌تر از حفظ مطالب است و شیوه‌های ارزشیابی نیز شکل متفاوتی می‌گیرد و مهارت‌آموزی و پرورش استعداد برجسته‌تر می‌شود.

چالش‌های اصلی در زمینه آموزش اثربخش و خلاق

- ۱- ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی؛
- ۲- ماهیت، سرفصل و منابع دروس قدیمی، غیرخلاقانه و غیرکاربردی؛
- ۳- شیوه‌های آموزشی نامناسب و سنتی و غیرخلاقانه؛
- ۴- شرایط جغرافیایی یا فیزیکی، سطح دسترسی به اینترنت و همچنین تعداد افراد و برنامه‌های ارائه‌شده در واحد آموزشی از عوامل مهمی است که می‌تواند بر عملکرد استادان، به‌ویژه در علوم اجتماعی در توسعه آموزش نوآورانه دانشگاه تأثیر بگذارد (پلازا، ۲۰۲۱).

تجزیه و تحلیل داده‌های رسمی در رویکرد کمی

بررسی نتایج نمونه برنامه تدریس خلاقیت‌محور در علوم اجتماعی

در هر ترم توسط دانشجویان فرم ارزشیابی مربوط به هر استاد درس جمع‌آوری و در آرشيو سامانه آموزشی آن دانشگاه ثبت می‌شود. به‌منظور بررسی نتیجه نحوه آموزش استاد مورد مطالعه، نتایج ارزشیابی حاصل از دو ترم آموزش خلاقیت‌محور نگارنده به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در سال ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۱

توزیع فراوانی ارزشیابی دانشجویان از برنامه تدریس استاد را نشان می‌دهد. اغلب دانشجویان موارد برنامه آموزشی استاد را در سطح خیلی خوب ارزیابی کردند؛ به طوری که در گویه‌های ارائه مثال‌های کاربردی، تمرینات و تکالیف و آزمون‌های آنلاین، روش تدریس و انتقال مطالب، امکانات چندرسانه‌ای آموزش، ترغیب دانشجو به مشارکت در هنگام آموزش و موازین اخلاقی و اجتماعی بالاترین میزان سطح رضایت را کسب کرده‌است.

جدول ۱. توزیع فراوانی نظرسنجی دانشجویان در ارزشیابی حاصل از دو ترم آموزش خلاقیت محور

شماره	شرح پرسش	خیلی خوب		خوب		متوسط		ضعیف		خیلی ضعیف	
		تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی
۱	توانایی انتقال مطالب اساسی درس	۵۸	۹۲٪	۴	۶٪	۱	۱٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۲	ارائه مثال‌های کاربردی در خصوص فهم بهتر درس (کاربردی بودن مطالب درسی)	۵۹	۹۳٪	۲	۳٪	۱	۱٪	۱	۱٪	۰	۰٪
۳	تناسب محتوای درس با شیوه آموزش	۵۷	۹۰٪	۵	۷٪	۱	۱٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۴	استفاده از پویانمایی و امکانات چندرسانه‌ای برای بهینه‌سازی انتقال مطالب (استفاده مناسب از ابزارهای چندرسانه‌ای در ارائه محتوای درس)	۵۷	۹۰٪	۶	۹٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۵	ارائه به موقع تمرینات، تکالیف و آزمون‌های آنلاین	۶۰	۹۵٪	۳	۴٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۶	ایجاد گروه‌های مباحثه مناسب و شرکت فعال در آن‌ها در جهت ارتباط با دانشجو	۵۸	۹۲٪	۵	۷٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۷	پاسخگویی و حضور کافی و مؤثر استاد	۵۶	۸۸٪	۶	۹٪	۰	۰٪	۱	۱٪	۰	۰٪
۸	ارائه پاسخ منطقی و معقول به پیشنهادها، انتقادات و دیدگاه‌های دانشجویان	۵۸	۹۲٪	۵	۷٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۹	رعایت موازین اخلاقی و اجتماعی و احترام متقابل در مکاتبات یا گفت‌وگوها	۵۹	۹۳٪	۳	۴٪	۱	۱٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۱۰	میزان اهمیت دادن استاد به مواردی مثل حضور دانشجو در کلاس، انجام تکلیف یا پژوهش	۶۰	۹۵٪	۳	۴٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۱۱	درجه صبر، دلسوزی و احساس مسئولیت استاد	۵۹	۹۳٪	۴	۶٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۰	۰٪
۱۲	ترغیب دانشجو به مشارکت در مباحث درس هنگام آموزش و تدریس	۵۸	۸۴٪	۵	۷٪	۵	۷٪	۱	۱٪	۰	۰٪

جدول ۲ شاخص میانگین ابعاد اصلی برنامه و روش تدریس استاد از سقف ۲۰ را نشان می‌دهد؛ به طور کلی در طول دو ترم تحصیلی ۱۴۰۰، بالاترین میزان میانگین نمره استاد به ترتیب مربوط به بُعد مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی و نظم استاد با نمره ۱۹/۶، بُعد علمی و آموزشی ۱۹/۵، تسلط و به کارگیری ابزارهای فناوری و چندرسانه‌ای

۱۹/۴۵، روش‌های ارزیابی استاد ۱۹/۴۵ است. معدل کل شیوه تدریس استاد در طول دو ترم تحصیلی ۱۴۰۰، معادل ۱۹/۵ به دست آمد.

جدول ۲. بررسی میانگین ابعاد اصلی ارزشیابی روش تدریس استاد توسط دانشجویان

میانگین کل	میانگین ترم دوم	میانگین ترم اول	ابعاد ارزشیابی	
۱۹/۵	۱۹/۶	۱۹/۵	توان علمی و آموزشی	۱
۱۹/۶	۱۹/۵۴	۱۹/۶	مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی و نظم استاد	۲
۱۹/۴۵	۱۹/۳	۱۹/۶	روش‌های ارزیابی استاد	۳
۱۹/۴۵	۱۹/۵	۱۹/۴	تسلط و به‌کارگیری ابزارهای فناوری و چندرسانه‌ای	۴
۱۹/۵	۱۹/۵	۱۹/۶	معدل کل	۵

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر روش‌های تدریس خلاقانه و مؤثر در علوم انسانی و اجتماعی در عصر دیجیتال نشان داد که نوآوری در آموزش نه تنها یک ضرورت، بلکه یک راهبرد بنیادین برای ارتقای کیفیت یادگیری و پاسخ‌گویی به نیازهای نسل جدید دانشجویان است. یافته‌ها حاکی از آن است که ترکیب رویکردهای یادگیری تجربی، ادغام فناوری، و دانشجو-محور می‌تواند چارچوبی جامع برای طراحی آموزشی فراهم آورد که هم‌سو با تحولات اجتماعی و فناورانه قرن بیست‌ویکم باشد.

داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که دانشجویان تجربه یادگیری در کلاس‌های خلاقانه را مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ آن‌ها مشارکت فعال، انگیزش بالا و رضایت از فرایند یادگیری را گزارش کردند. نقل‌قول‌های دانشجویان مبنی بر «آموختن اندیشیدن به جای اندیشه‌ها» نشان‌دهنده تغییر نگرش و ارتقای سطح یادگیری انتقادی است. تجربه استاد مورد مطالعه نشان داد که بازاندیشی مداوم در فرایند آموزشی، استفاده از فعالیت‌های متنوع (تمرین گروهی، بازی‌های فکری، پروژه‌های میدانی) و توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان، از عوامل کلیدی موفقیت در این رویکرد بوده است. داده‌های کمی حاصل از اسناد ارزشیابی نیز تأیید کرد که این شیوه تدریس موجب افزایش کیفیت یادگیری و رضایت دانشجویان شده است. ترکیب این دو دسته داده در قالب مثلث‌سازی، اعتبار نتایج را افزایش داده و تصویری جامع از اثربخشی روش تدریس خلاقانه ارائه کرده است.

ادبیات پژوهش بین‌المللی (شارما، ۲۰۲۰؛ گلیزا، ۲۰۲۱؛ فانگفای، ۲۰۱۷) نیز تأکید دارد که روش‌های خلاقانه مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، بازی‌سازی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال، انگیزش و کیفیت یادگیری را افزایش می‌دهد. نتایج این مطالعه با این شواهد هم‌راستا بوده و نشان می‌دهد که تدریس خلاقانه می‌تواند به توسعه مهارت‌های کلیدی قرن بیست‌ویکم شامل تفکر انتقادی، حل مسئله، ارتباط مؤثر و خلاقیت منجر شود. از منظر عدالت آموزشی، ادغام فناوری و رویکردهای دانشجو-محور می‌تواند فرصت‌های برابر برای یادگیری فراهم کند؛ هرچند چالش‌هایی مانند

شکاف دیجیتال و نیاز به توانمندسازی معلمان همچنان مطرح است. یافته‌های این پژوهش با دیدگاه‌های ویگوتسکی و هابرماس درباره‌ی کنش ارتباطی همخوانی دارد. براساس دیدگاه ویگوتسکی، طراحی تدریس باید بر تعامل اجتماعی، اسکفلدینگ مرحله‌ای، و واسطه‌گری فناورانه برای عبور از منطقه رشد توانایی بالقوه متمرکز باشد. براساس نظریه هابرماس، کلاس باید قواعد اخلاق گفتمان، پرسشگری انتقادی، و ساخت حوزه عمومی کوچک را نهادینه کند تا مشارکت معنادار و عقلانیت گفت‌وگویی تقویت شود. یافته‌های پژوهش هم در سطح سازوکارهای یادگیری (اجتماعی- فرهنگی) و هم در سطح هنجارهای ارتباطی (گفتمانی)، با شواهد کمی و کیفی، افزایش کیفیت یادگیری و رضایت را تأیید می‌کند.

یادگیری مبتنی بر خلاقیت در مطالعات اجتماعی، مدل یادگیری و آموزش است که به معلمان مطالعات اجتماعی اجازه می‌دهد تا شایستگی‌های یادگیری قرن بیست‌ویکم یادگیرندگان را توسعه دهند. این یک شیوه یادگیری فعال است که بر تشویق دانش‌آموزان به تمرین به‌منظور دستیابی به مهارت‌های یادگیری مطابق با اهداف برنامه درسی تمرکز دارد. یادگیری مبتنی بر خلاقیت یک شیوه یادگیری دانش‌محور است و یادگیری مبتنی بر خلاقیت به یادگیرندگان اجازه می‌دهد تا مهارت‌های فردی و اجتماعی لازم برای آینده را توسعه دهند که عبارت‌اند از: ۱- مهارت‌های تفکر انتقادی، ۲- مهارت‌های دانشجویی، ۳- مهارت‌های ارتباطی و ۴- مهارت‌های تفکر خلاق؛ که این امر از طریق شیوه تدریس ۵ مرحله‌ای محقق می‌شود: ۱- جلب توجه، ۲- شناسایی مشکلات و گروه‌بندی براساس علایق دانش‌آموز، ۳- تحقیق و تفکر، ۴- ارائه، ۵- ارزشیابی فرایند یادگیری در جهت دستیابی به اهداف دوره.

یادگیری مبتنی بر خلاقیت، مستلزم معلمان به‌عنوان تسهیل‌کننده یادگیری در تحقیق، انجام بازی برای برانگیختن کنجکاوی، آموزش و تدریس خصوصی، تمرین حل مسئله، تمرین در گروه کاری و ارائه خلاصه برای رسیدن به هدف توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانشجو و دستیابی به اهداف آموزش باکیفیت است. منطقی است همان‌طور که آموزش مطالعات اجتماعی فراگیران را برای عضویت مولد جامعه آماده می‌کند، مؤسسات آموزشی و معلمان بیش از هر زمان دیگری به استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات در آموزش خلاق به‌ویژه در علوم اجتماعی توجه کنند (اوگو و کینگزلی، ۲۰۱۹^۱).

آموزش مبتنی بر خلاقیت در علوم اجتماعی با فرایند بازاندیشانه، پویا و متنوع از فعالیت‌های استاد و دانشجویان در کلاس تقویت می‌شود. در این نوع آموزش، به همه دانشجویان امکان اظهارنظر داده می‌شود و تفاوت‌های فردی و توانایی‌های هر دانشجو به رسمیت شناخته می‌شود. خلاقیت، نوآوری و انعطاف‌پذیری در همه ابعاد این شیوه تدریس، برای مثال در انتخاب منابع، مطالب و موضوعات درسی، روش ارزشیابی، تمرینات فردی و گروهی، نحوه ارائه دانشجویان، پروژه، مهارت‌های فکری و عملی حاکم است. در جهت دستیابی به آرمان آموزش خلاق و اثربخش باید به زمینه‌ها و موانع آن نیز توجه کرد و زیرساخت‌های آن را در جامعه و محیط آموزشی در نظر گرفت. این پژوهش تأکید می‌کند که تدریس در علوم انسانی و اجتماعی در عصر دیجیتال باید از سطح انتقال دانش فراتر رفته و به خلق تجربه‌های یادگیری معنادار، مشارکتی و خلاقانه بپردازد. چنین رویکردی نه تنها موجب ارتقای کیفیت یادگیری و رضایت دانشجویان می‌شود، بلکه آنان را برای ایفای نقش فعال در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر آماده می‌سازد. جهت توسعه آموزش خلاق و اثر بخش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- سرمایه‌گذاری در توانمندسازی معلمان برای استفاده از فناوری‌های نوین و طراحی فعالیت‌های خلاقانه
- بازاندیشی مستمر در روش‌های تدریس، استفاده از پروژه‌های واقعی و فعالیت‌های میدانی، و توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان
- مطالعات تطبیقی در سطح بین‌المللی برای بررسی تأثیر روش‌های خلاقانه در فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی مختلف
- مشارکت فعال در فرایند یادگیری و بهره‌گیری از فرصت‌های خودآموزی و همکاری گروهی

منابع

- Ahmed, S.; Baloch, M.A.; Karim, H. (2024). Investigating the impact of teaching-learning materials on students' academic performance. *Journal of Development and Social Sciences*, 5(1), 538–545. [http://doi.org/10.47205/jdss.2024\(5-1\)49](http://doi.org/10.47205/jdss.2024(5-1)49).
- Duangkamol, S. (2010). *Learner development for learning society: Student-centered learning model: Social studies, religion and culture learning areas (2nd ed.)*. Bangkok: Chulalongkorn University Press.
- Dunwill, E. (2016). Four changes that will shape the classroom of the future: Making education fully technological. *eLearning Industry*. Retrieved from <https://elearningindustry.com>
- Gallardo-Guerrero, A.M.; Maciá-Andreu, M.J.; Conde-Pascual, E.; Sánchez-Sáez, J.A.; Zurita-Ortiz, B.; García-Tascón, M. (2022). From flipped classroom to personalized learning as an innovative teaching methodology in the area of sports management in physical activity and sport sciences. *Sustainability*, 14(13), 7714. <https://doi.org/10.3390/su14137714>.
- Georgopoulou, M. S., Troussas, C., Triperina, E., & Sgouropoulou, C. (2025). Approaches to Digital Humanities Pedagogy: a systematic literature review within educational practice. *Digital Scholarship in the Humanities*, 40(1), 121-137.
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action, Vol. 1: Reason and the rationalization of society*. Boston, MA: Beacon Press.
- Kayode, O.; Ogundokun, R.; Olorundare, S. (2020). Review of innovative teaching strategies in senior secondary schools' sciences. *i-Manager's Journal of Educational Technology*, 17(1), 56. <http://doi.org/10.26634/jet.17.1.17018>.
- Kozinski, S. (2017). *How Generation Z is shaping the change in education*. Forbes. Retrieved from <https://www.forbes.com/sites/sievakonzinsky/2017/07/24>
- Kurt, S. (2020). Vygotsky's Zone of Proximal Development and Scaffolding. *Educational Technology*. Retrieved from <https://educationaltechnology.net/vygotskys-zone-of-proximal-development-and-scaffolding>
- Laid, S. M. T., & Adlaon, M. S. (2025). A Systematic Review of Innovative Teaching Strategies in Science: Exploring Hands-on Learning, Technology Integration, and Student-Centered Approaches. *Acta Pedagogica Asiana*, 4(2), 101-114.
- Madhumita. (2016). Innovative teaching of social sciences to enhance multiple intelligence. *IOSR Journal of Humanities and Social Science*, 21(6), 45–50. Retrieved from <http://www.iosrjournals.org>
- Phuangphae, P. (2017). Creativity-based learning in social studies. *International Journal of Humanities, Social Sciences and Arts*, 10(5), 120–130.
- Plaza, R. C. (2021). Emerging innovations in teaching social science courses. *The International Journal of Humanities and Social Studies*, 9(3), 45–52. <https://doi.org/10.24940/theijhss/2021/v9/i3/hs2103-003>

- Rahe, R.; Devi, M.R.R.; Koshy, J.M.; Durga Devi, G.; Johnson, W.M.S.; Krishnaveni, S. (2023). Jigsaw method of interactive teaching to unpuzzle neuroanatomy. *International Journal of Anatomy and Research*, 11(1), 8564–8569. <http://doi.org/10.16965/ijar.2022.288>.
- Sharma, M. (2020). Role of innovative methods in teaching social science. *SDES International Journal of Interdisciplinary Research*, 1(1), 19–23.
- Ugwu, P., & Kingsley, N. U. (2019). *Innovations in technology for teaching and learning of social studies: Project of the concept and application of ICT to teaching/learning process*. Enugu: Concept Publishers.

